

بهبوشی ومداسلامی در گفت وگوبا کارشناسان

لباس و پوشش، پرچم و جوادی شخص است



نمایش لباس‌های مختلف در نمایشگاه

اگر ممکن است در ابتدا درباره پوشاک و لباس در تاریخ ایران بگویید.

شرفی رضوی: ایران از معدود کشورهای است که ساکنان آن در تاریخ خود همواره پوشش داشته‌اند و به لباس نه تنها از جنبه حفاظت از بدن بلکه از لحاظ زیبایی‌شناسی نیز اهمیت می‌داده‌اند. به عبارت دیگر پوشش در ایران تنها برای پوشاندن نبوده بلکه لباس و مظاهر آن بیانگر نوعی زبان نشانه‌شناسی خاص بوده به‌طور مثال لباس‌های متفاوت نشان دهنده شأن و جایگاه افراد بوده است.

صحت از تاریخ لباس در ایران شد، طبیعتا شکل لباس در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است در این باره چه نکاتی برای گفتن هست؟

شرفی رضوی: تنوع لباس در ایران بسیار زیاد بوده و در دوره‌های مختلف و بنابر اتفاقات تاریخی متفاوت بوده است. پیش از اسلام پوشاک اقوام آریایی، مادها، پارسیان، سلوکیان، پارت‌ها و ساسانیان را دیده‌ام و پس از اسلام می‌توان از پوشاک خاص اعراب، سامانیان، ایلخانان، صفویان، افشاریان، زندیان، قاجاریه و نهایتا پهلوی و البسه متداول پس از انقلاب اسلامی نام برد.

لباس و پوشش مردم در هر یک از این دوره‌ها مشخصاتی داشت که با دوره‌های دیگر فرق می‌کرد. آن چه باید گفته شود این است که جز در دوره پهلوی یکی از ویژگی‌های مشترک در همه دوره‌ها تأکید بر پوشیدگی زن و مرد ایرانی با لباس بود. این پوشیدگی آن چنان که تاریخ هم نشان می‌دهد بخشی از فرهنگ و هویت ما ایرانی‌هاست و در هیچ دوره‌ای شاهد فقدان آن نبوده‌ام.

درواقع پوشش بخشی از هویت ما است.

شرفی رضوی: بله همین‌طور است. موضوع این جاست که باید راهکارهایی پیدا شود تا این بخش از فرهنگ ما که مورد هجوم قرار گرفته است مصون بماند. به گفته مقام معظم رهبری ما مورد شیخون فرهنگی قرار گرفته‌ایم، به همین دلیل باید متوجه باشیم سبک زندگی‌ای که از طرف مختلف مانند اینترنت و ماهواره و ایرانیان القا می‌شود چیزی نیست که با فرهنگ و هویت ما سنخیت داشته باشد. این به آن معنا نیست که همه آن چه را در بیرون ایران است نفی کنیم. می‌شود بعضی پدیده‌های فرهنگی را با اصلاح‌های مورد استفاده قرار داد ولی در مورد پوشش ما باید بر فرهنگ خودمان تأکید و اصرار بوزیم. دلیل این امر هم مشخص است چون لباس و پوشش را می‌توان پرچم و جوادی هرکس قلمداد کرد.

وقتی بحث جنگ نرم یا شیخون فرهنگی مطرح می‌شود به این معناست که باید در برابر موتور فرهنگی‌ای که در فضای ما وجود دارد مورد تهاجم قرار داده بایستیم و این نیازمند کار مدوام در همه عرصه‌ها و از جمله لباس و پوشش است.

این مبارزه در عرصه پوشاک و لباس چگونه قابل انجام است؟

شرفی رضوی: باید دقت کنیم که شکل و نوع لباس و پوشش در ایران از قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی برخوردار است که اگر به آن توجه شود و روی آن کار شود می‌توان به دستاوردهای بزرگی رسید. باید این پوشش را بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی به‌روز کرد تا از این طریق گرایش به آن افزایش پیدا کند. به نظر من ما آن قدر ظرفیت داریم که نه تنها برای خودمان الگوسازی کنیم که حتی برای کشورهای اسلامی و سایر کشورها هم، طراحی و تولید کنیم.

برای این هدف چه مقدماتی لازم است؟

شرفی رضوی: یکی تربیت افراد متخصص در حوزه لباس و پوشش است. این افراد می‌توانند در زمینه ترویج پوشش و عفاف و حجاب عمل کنند. در حال حاضر برخی موسسات هستند که در این کار، فعال شده‌اند. این موسسات با کار کارشناسی به این نتیجه رسیده‌اند که لباس ایرانی باید با فرهنگ و شرایطی که مردم ما در آن زندگی می‌کنند هماهنگی داشته باشد و با همین نگاه، به طراحی و آموزش پرداخته‌اند تا لباس‌هایی که تولید می‌شود در عین زیبایی همسان با روح و فرهنگ دینی و ملی ما باشد. شاید یک مثال قلمی را روشن کند. مثلا در کشور ما سبازها و اندازه‌هایی را در لباس زنانه و مردانه مورد استفاده قرار می‌دهیم که با کشورهای دیگر تفاوت دارد. این موضوعی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت و اگر به آن توجه کنیم لباس ایرانی می‌تواند متناسب با جامعه ما باشد.

حالا که صحبت از متخصصان و کارشناسان شد بهتر است گفت وگو را با آقای سمیعی فرد ادامه دهیم. شما در بحث آموزش افراد در زمینه لباس و بهبود پوشش فعال هستید. به نظر شما در آموزش چه مولفه‌هایی باید در نظر گرفته شود؟

حمزه سمیعی فرد: اولین نکته توجه به شرایط دینی، فرهنگی، اجتماعی و پیشینه تاریخی ما است که باید در امر آموزش مورد نظر قرار بگیرد. ویژگی‌های شخصیتی مسلمانان و بالخصوص ایرانی مسلمان با دیگران متفاوت است و بر همین اساس باید آموزش‌ها بر مبنای همین ویژگی‌ها و مولفه‌ها باشد و از آنها تبعیت شود. در این خصوص قوانین کشور هم هست که طبیعتا مورد توجه آموزش‌دهندگان قرار خواهد گرفت. نباید فراموش کنیم، چه مرد و چه زن، کسانی که در عرصه الگوهای پوشاک می‌خواهند فعال باشند در واقع سفیران فرهنگی هستند و باید موضوع عفاف و حجاب را مدنظر قرار دهند. پس اولین نکته توجه به این موضوع است.

اشاره: چند سالی هست که برنامه‌ها و جشنواره‌های مختلف لباس را در مناسبت‌های مختلف مانند دهه فجر انقلاب اسلامی، ماه مبارک رمضان و روزهای تعطیل عید نوروز از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شاهد بوده‌ایم که مهم‌ترین آنها جشنواره مد و لباس فجر است که در ۳ سال گذشته در روزهای دهه فجر برگزار شده است. فعالیت در عرصه لباس و طراحی آن موضوعی تازه است که به گفته کارشناسان تأثیرات اجتماعی و روانی آن قابل کتمان نیست. به گفته کارشناسان، این برنامه‌ها توانسته است ضمن رعایت قوانین و مقررات جاری، باعث تنوع بخشیدن به پوشاک و شادابی روح و روان افراد شود. در عین حال تولیدکنندگان پوشاک هم با طرح‌های مختلف که از طرف طراحان عرضه می‌شود توانسته‌اند رونقی به اقتصاد این رشته بدهند. همه اینها فقط بخشی از مطالبی است که در خصوص طراحی لباس می‌شود عنوان کرد. برای آگاهی بیشتر از چند جزو این موضوع، میزگردی با ۲ تن از کارشناسان این حوزه یعنی «شرفی رضوی» و «حمزه سمیعی فرد» برگزار کردیم که می‌خوانید:

در بحث تخصص و آموزش‌های تخصصی هم پژوهش‌های مهمی در زمینه رنگدندی، سباز و حتی تکنیک مردم ایران وجود دارد که صد البته باید در آموزش الگو در نظر آورده شود. آموزش باید به گونه‌ای تعریف شود که اینها را معیار کار خود قرار دهد. بالاخره ما در جغرافیایی به نام ایران زندگی می‌کنیم که ماهیت و هویت خاص خود را دارد و هیچ آموزشی نمی‌تواند خارج از این چارچوب‌ها جواب بدهد و نتیجه‌بخش باشد.

طبیعی است بخشی از آموزش‌ها جنبه بین‌المللی و جهانی دارد اما آن چه باید بر آن تأکید شود آموزه‌های دینی و فرهنگی و اجتماعی ما است. **اگر ما لباس دینی و ملی خود را طراحی و تولید کردیم چگونه می‌شود مردم را با آنها آشنا کرد؟**

شرفی رضوی: روش‌های عرضه متفاوت و متنوع است که تهیه بروشورها و ژورنال‌ها یکی از آنهاست. یکی دیگر از راه‌ها هم آرایه از طریق افراد الگو در جامعه و نشان دادن لباس از طریق این افراد است. باید دقت داشته باشیم که این روش با آن چه در بیرون از کشور ما وجود دارد باید تفاوت داشته باشد. ما نباید برای نشان دادن کم و کیف لباس از افرادی استفاده کنیم که به استانداردهای بومی منطبق افراد ترجیحا عمل‌های جراحی غیرمتعارف انجام نداده باشند. این افراد در جامعه مطرح و شناخته می‌شوند باید به خلق و خو و شخصیت آنها نیز توجه داشت. این افراد باید تربیت شوند و آموزش‌های لازم را ببینند تا بتوانند به‌عنوان الگو مطرح شوند.

چنین شیوه‌هایی می‌تواند ما را در عرصه لباس به بومی‌گرایی برساند. برای لباس این امکان هست که **باید دقت کنیم که شکل و نوع لباس و پوشش در ایران از قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی برخوردار است که اگر به آن توجه شود و روی آن کار شود می‌توان به دستاوردهای بزرگی رسید. باید این پوشش را بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی به‌روز کرد تا از این طریق گرایش به آن افزایش پیدا کند**



قبل مورد تأکید نبود کار چندانی انجام نشد. اگر چه افراد دلسوزی هم بودند که کار کردند اما از آنجا سازماندهی خاصی وجود نداشت چندان موثر واقع نشدند. از طرف دیگر هجوم بعضی افراد سودجو از طریق شبکه‌های اجتماعی و ابزار دیگر هم بود که در نتیجه باعث شد توجه به آموزش‌های داخلی افزایش پیدا کند.

در حال حاضر با پژوهش‌هایی که انجام شده لازم است چارچوب آموزشی متناسب با فرهنگ ایرانی و طراحی‌های آن مشخص شود که در مملکتیم با حمایت نهادهای مختلف که هر یک سهمی در این قضیه دارند، می‌شود این درخت را سترگ و بسیار مستحکم کرد. این نکته را هم اضافه کنم که در حال حاضر برخی آموزش‌هایی که در کشور ما انجام شده به‌گونه‌ای است که می‌تواند در سطح بین‌المللی و خصوصا کشورهای اسلامی برای خود جایگاه داشته باشد و به‌عنوان یک متد و روش مورد استفاده دیگران قرار گیرد که این خود در گسترش فرهنگ دینی و ملی ما تأثیر بسزایی خواهد داشت.

در این مورد رشد ما تا آنجا نبوده که برخی کشورها درخواست کرده‌اند متد‌هایی را به آنها آرایه دهیم. شرفی رضوی: حتی برخی کشورهای ما از ما خواسته‌اند که در کشورهای آنها به آموزش بپردازیم اما تصمیم ما این است که تیرهای آنها بیایند و ایران آموزش ببیند چون می‌خواهیم این امر به نام ایران باشد و اعتبار آن هم برای ما باشد.

تأثیر این آموزش‌ها را در اقتصاد کشور چگونه می‌بینید؟

شرفی رضوی: همان‌طور که مقام معظم رهبری اسمال را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» اعلام کردند لازم است به همه زمینه‌ها در موضوع لباس دقت داشته باشیم. یعنی هم به عرصه پوشاک و همین‌طور به تأثیرات فرهنگی پوشاک نگاه کنیم متوجه اهمیت موضوع می‌شویم. مطابق آماری که یکی از موسسات معتبر جهانی داده گردش مالی در حوزه مد و لباس در ایران حدود ۲۳ میلیارد دلار است. این رقم گرچه از کشوری مانند ترکیه کمتر است اما از کشورهای چون مالزی بالاتر است.

حمزه سمیعی فرد: البته به این رقم باید رقیمی را که پنهان است و به‌صورت زیرزمینی انجام می‌شود، اضافه کرد. مثلا ژورنال‌ها و طراحی‌های زیرزمینی که گردش مالی زیادی هم دارند و دیده نمی‌شوند.

شرفی رضوی: همین‌طور است. حالا در نظر بگیرید با چنین گردش مالی چرا باید صنایع نساجی ما ورشکست شوند؟ چرا باید بسیاری از شرکت‌ها و افرادی که در عرصه لباس و طراحی و تولید کار می‌کنند دست از کار بکشند؟ یکی از دلایل اصلی آن واردات پوشاک است که نه تنها از نظر مالی صدمه می‌زند که فرهنگ و هویت خاص خود را هم وارد کشور ما می‌کند و صدمه آن بدتر از صدمه اقتصادی است. اگر ما شرایطی فراهم کنیم که تولید داخلی رونق پیدا کند توجه به بیرون کم خواهد شد. افزایش تولید داخلی هم راهکارهای خاص خود را دارد.

ببینید وقتی تولیدکننده، قبل از تولید نیاز بازار را نمی‌داند و با حدس و گمان تولید می‌کند طبیعتا است که احتمال شکست طرح و شکل لباس آن بسیار زیاد می‌شود. باید موسسات تحقیقی و کارشناسی وجود داشته باشند که به تولیدکننده درباره نیاز بازار مشاوره بدهند.

یکی دیگر از دلایل شکست طرح‌ها و لباس‌های داخلی عدم معرفی آنهاست. وقتی لباسی با طرحی جدید تولید می‌شود باید به جامعه، فروشندگان لباس و خریداران معرفی شود. اگر به تولیدکننده درباره نیاز بازار مشاوره داده شود و نیز تولیدات او معرفی شود امکان موفقیت او به شدت افزایش پیدا می‌کند.

ذره بین

گزارش از حزم بزم و حرمان پایکویی کردها در آینه نگاه مسئولان

رقص کوردانه پابزمین

شیروان یاری

آبیدر مبهوت و مدهوش می‌سازد بر آسمان پرواز، صدای دهل مرحوم «کا برات» خون به جوش می‌آورد و بسا از نقل زمین می‌کند. کوبیدن با صلابت چوب بر پوست خشک این دایره بزرگ گردن آویز گریز بود که نعره دهل را از عرض زمین به طاق آسمان می‌دوخت. دستان نحیف چروکیده این مرد قامت بلند آسیانشده در اقیانوس غم زیر سایه کلاه لیدار یا شاپو جادو می‌کرد و چون تاز بانه‌ای رام می‌کرد اسب عصیان درون را، نجوای «کابرات» با دهل بزرگ به سان نیات شیرین و چون آخگرهای آتش - اسپند - هیجان جسم و روح را به ملکوت عروج می‌داد.

صدای دهل دکتر، سیم خاردار مرزهای انسانی را قیچی و دیوارهای فرضی روابط انسان‌ها را در جهان فروریخت و همه‌مان ناله و فغان این پوست کشیده بر این دایره دورانی تا عمق جان جهانیان رسوخ کرده است. صدای دلنواز مطمئن دهل پوست خشک ضرب‌المثل معروف «صدای دهل از دور خوش است» را خط بطلان کشید و گر صدای این دهل نواز در هر کوی و برزنی شنیده می‌شد برای دیدن و شنیدن این نوای خروشان پرهیاهو سر بر پای عاشقان پیشینی می‌گرفت. در دل این گروه، صدای ناله‌ساز سرنای مرحوم کاک عبدالله شریعتی، نوازنده شهیر سنج‌ساز مدح حیات زبان اعضای بدن گروه آیدر بود، نفسی که در نای سرنای شریعتی دمیده و از سوراخ‌های این ساز بادی بازدم می‌شد فوج کبوتر احساس اسپر در قفس کلبه سرد و بی‌احساس انسانی را بر آسمان شورت‌هایی می‌رقصانید اما قفس و هیبت‌ها...

برات و عبدالله این دو زوج هنری که ۴۰ سال بر دهل کوبیدند و سر نامیدند تا قاصدک شادی را در دل مردم به بار میان آورند در کنج خانه‌بی مه‌ری می‌زدند و با آواز و آلام سوختند و ساختند و در اواخر اسفند سال گذشته هر دو به فاصله ۳ روز از هم به دیار باقی کوچیدند و با پرواز این دو هنرمند هنور دهل مرد و سرنا خاموش شد و رقص و موسیقی آیدر فرو ریخت. بزم گریز آن روزی این دو چهره شاد آفرین، همه لیر کی، اندک توجه مدیران به ثبت ملی رقص کردی بود که هرگز در زمان حیات این دو زوج فریخته هنری جامه عمل نپوشید. کاک عبدالله در روزهای پایانی عمر پرده از راز تراژیک فروش سرنا معشوق بزم نایبه‌های شادی و غم به مبلغ ناچیز ۵۰ هزار تومان برداشت و با چشمانی خیس گمت، «ناگزیر بودم که ساز را برای تأمین دارو و درمان به شهرود مشتاق سقزی بفروشم».

کلاه لهدار و عصای قهوه‌ای سوخته چوبی از عناصر هویت بخش دهل‌نواز سنج‌ساز بود که بزرگترین آرزوی این هنرمند نیز گذشتن این دو عنصر جدایی‌ناپذیر بر تاج دهلش بود در موزه سنج‌ساز دیار نفس‌های هنر قرن زندگی هنریش که هنوز هم مسئولان شهر به این آرزوی حداقلی روح یک هنرمند جلودان در تاریخ پاسخ نگفتند.

گروه رقص و موسیقی آیدر انتظار دانش‌سناسی عقیده گرا یانه خودنمایی مداوم را بر طاقچه اتاقک مدیران نداشت، تنها انتظارشان باز شدن درهای ریموتی مدیران فرهنگی بر دل بنشیند تا با تدبیر عقلا بیت - امید - راه‌محفل گرم و یک رنگ این خانواده همسنگ هنری باز گردانند تا یکی یکی ساک جدایی از این خانواده بسته نشود. این گروه که سال‌هاست فریادشان در کوه آیدر پژواک می‌شود را ثبت کنبد تا تاریخ هنر رقص و آواز این استان فرهنگی همچنان بر تارک جهان بدرخشد. کسانی شهیر سنان ستاره در محفل این گروهند یا بوده‌اند کسانی که اگر نام و نشانشان حس درون را فریاد می‌زند.

صدای ساز و دهل این گروه قمری را بر قله ستیغ دوایند است. درخشش پایکویی این عاشقان با چرخش و سماع دستمال «اسر چوبی» و «گاوایی» میراث فرهنگی کردها را به تهرانی‌ها، شیرازی‌ها، کرمانی‌ها و سرزمین زیبا و دلبرای کیش شناسانده است. تدبیر خالد تدبیر، سرپرست گروه رقص و موسیقی آیدر کردستان برای حفظ و انسجام این گروه زیباست. گروهی که با لباس‌های یکدست کردی و موسیقی اصیل بزمی - دست در دست - هم گره می‌زنند و برای اثبات وطن‌دوستی پای در کفش کلاش بر زمین می‌کوبند و شانه به شانه حس درون را فریاد می‌زنند.

صدای ساز و دهل این گروه قمری را بر قله ستیغ

